فرانسه و نقض حقوق بشر (1)

پدید آورنده : علی رضا محمدی ، صفحه 4

مقدمه:

امروزه «حقوق بشر» علی رغم وجود برخی نارسایی های مفهومی و اختلاف نظرهای مبنایی و اجرایی، که در خصوص آن وجود دارد،1 به عنوان یکی از مهم ترین عناصر گفتمان حقوقی و سیاسی دولت ها و جوامع بشری مطرح است، و نادیده گرفتن آن در سطح داخلی علاوه بر ایجاد بحران های متعدد2 منجر به به چالش کشیده شدن کارآمدی و مشروعیت (= مقبولیت) نظام سیاسی می شود، و در عرصه بین المللی نیز محدودیت ها و موانع متعددی را به دنبال خواهد داشت. بر این اساس، دولت ها برای حفظ تداوم حیات سیاسی و انجام تعهداتی که به واسطه حقوق داخلی و خصوصاً حقوق بین الملل پذیرفته اند، ملزم به رعایت حقوق بشر می باشند. بدیهی است اهتمام به رعایت این حقوق توسط نظام های لیبرال دموکرات که داعیه دفاع از حقوق اساسی تمامی انسان ها را دارند و مشروعیت شان وابسته به آرای مردم است، از اولویت بیشتری برخوردار است.

از سوی دیگر، آن گونه که واقعیات کنونی نشان می دهد، مسئله «حقوق بشر» قبل از این که برای دفاع از حقوق اساسی انسان ها باشد، دستاویزی برای بسط و گسترش منافع نامشروع قدرت های سلطه طلب جهان، و ابزاری است که کشورهای غربی به خصوص آمریکا و اتحادیه اروپا بر علیه کشورهای مخالف خود، به کار می برند؛ از دیدگاه آنان کشورهایی که از نظر ایدئولوژی، اقتصاد، سیاست و... ، تابع دیکتاتوری مخوف غرب نیستند و در جهت تأمین منافع منطقه ای و جهانی آنان گام برنمی دارند، دشمن تلقی می شوند و باید با هر وسیله ای، خصوصاً موضوعاتی نظیر دفاع از حقوق بشر، دموکراسی، مبارزه با تروریسم و... ؛ که در افکار عمومی جهان مشروع جلوه می نماید، از میدان به در شوند.3 آنان با تسلط و نفوذ بر سازمان های بین المللی و با به کارگیری تبلیغات گسترده، معیارهایی دوگانه در مورد حقوق بشر در کشورها به کار می برند و کشورهایی نظیر اسرائیل را، که به راحتی، ابتدایی ترین حقوق انسان ها را نقض می کند، مورد حمایت خویش قرار می دهند.

اما واقعیت مهم تر این است که مدعیان لیبرال دموکراسی، آن گونه که در عمل نشان داده اند نه تنها هیچ گونه پای بندی نسبت به حقوق بشر، در کشورهای جهان، بلکه در داخل کشورهای خویش نیز تا آن جا که منافع شان اقتضا کند؛ قائل نیستند. حوادث اخیر فرانسه، نمونه کوچکی از این واقعیت است و فرصت مجددی برای بررسی وضعیت حقوق بشر در «مهد دموکراسی» را در اختیار افکار عمومی جهان قرار داده است تا به صورتی دقیق تر به ماهیت نظام لیبرال دموکراسی و نارسایی های آن نگریسته و راه برون رفت از مشکلات کنونی جهان را ـ که عموماً با این نظام فکری مرتبط اند ـ جستجو نمایند. نوشتار حاضر درصدد بررسی این موضوع است.

فرانسه و شکل گیری اعلامیه جهانی حقوق بشر

حقوق بشر (Huma Rights) مفهومی جدید و برخاسته از شرایط عصر مدرن است4 و از مبانی و لوازم لیبرال دموکراسی به شمار می رود. در میان کشورهایی که با این نظام فکری اداره می شوند؛ کشور فرانسه به عنوان مهد آزادی و دموکراسی نقش بسزایی در شکل گیری اعلامیه جهانی حقوق بشر داشته است. از دیدگاه بسیاری از پژوهشگران، چند عامل و مقطع مهم تاریخی در شکل گیری این اعلامیه نقش داشته اند:

اول: دوره روشنفکری فرانسه که متفکرانی نظیر دالابر، دیدرو، ولتر، کالون و در رأس آن ها منتسکیو و روسو، گفتمان حقوق بشری را پایه گذاری کردند.

دوم: انقلاب آمریکا، اعلامیه استقلال آن(1776) و مفاهیمی که تحت تأثیر آن در زمینه حقوق بشر شکل گرفت.

سوم: دوران انقلاب فرانسه(1789) که با شعار برابری، برادری و آزادی برای همه شهروندان، صرف نظر از تفاوت های قومی، نژادی و طبقاتی، جنسی و مذهبی همراه بود. و قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر و شهروندی بر محور این اصول به تصویب رسید.

چهارم: وحشی گری ها و شقاوت های نازیسم و فاشیسم در جنگ جهانی دوم نسبت به افراد بی گناه، انگیزه توجه به شخصیت و حیثیت انسانی، و باعثِ توسعه حمایت بین المللی از حقوق بشر گردید. بدین سبب بود که تدوین کنندگان منشور ملل متحد، مقررات حقوق بشر را در منشور گنجاندند و سرانجام در اجلاسیه سال 1948 مجمع عمومی سازمان ملل که در پاریس تشکیل شد، اعلامیه جهانی حقوق بشر به تصویب رسید. از آن تاریخ به بعد نیز معاهدات متعددی در این زمینه به امضا رسیده است.5

و فرانسه، یکی از کشورهایی است که همواره سایر کشورها را حتی با دلایل واهی به نقض حقوق بشر متهم نموده است. 6

وضعیت حقوق بشر در فرانسه

مجموعه عواملی که بیان گردید سبب می شود که فرانسه به عنوان مهد آزادی و دموکراسی غربی و یکی از بانیان اصلی اعلامیه جهانی حقوق بشر، در اجرا و رعایت اصول این اعلامیه اهتمام ویژه ای داشته باشد. به علاوه، فرانسه یکی از اعضای سازمان ملل متحد است که منشور ملل متحد را پذیرفته است، و بر اساس مواد متعدد آن از جمله ماده دو میثاق حقوق مدنی و سیاسی، دولت ها متعهد شده اند که حقوق شناخته شده در میثاق را درباره افراد مقیم قلمرو یا تابع حاکمیتشان بدون تبعیضْ محترم شمرده و تضمین نمایند. اما آن گونه که واقعیات نشان می دهد مهم ترین اصول حقوق بشر به شکل گسترده ای در این کشور نقض می شود. از جمله:

1ـ نقض آزادی

آزادی، یکی از اصول محوری حقوق بشر است که در اصول متعدد اعلامیه جهانی حقوق بشر بر ضرورت رعایت آن تأکید شده است. بر اساس ماده 18 اعلامیه: «هر کس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان، و نیز شامل تمایلات مذهبی و اجرای مراسم دینی است. هر کسی می تواند از این حقوق، منفرداً یا مجتمعاً، به طور خصوصی یا به طور عمومی، برخوردار باشد.» و همچنین در ماده 19 اعلامیه مزبور مقرر می دارد: «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود، بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.»7 و همچنین بر اساس ماده دوم قانون اساسی 1958 فرانسه، فرانسه کشوری غیر مذهبی است ولی در عین حال به تمام اعتقادات دینی، متساویاً احترام می گذارد.8 اما واقعیات موجود در سال های اخیر نشان می دهد که:

1-1: در جامعه فرانسه، افرادی، نظیر روژه گارودی، نویسنده و محقق فرانسوی، تنها به دلیل ترویج اندیشه و نوشتن کتابی تاریخی و طرح واقعیاتی مستند درباره صهیونیسم بین الملل و انکار هولوکاست مورد محاکمه قرار می گیرند. هنوز هم در برخی کشورها مانند فرانسه، انکار کشتار یهودیان جرم تلقی می شود.

2-1: فرانسه با حدود شش میلیون مسلمان از جمله کشورهای اروپایی است که به دلیل پیشینه تاریخی، بیشترین شمار مسلمانان را در خود جای داده است و مسلمانان، 10 درصد کل جمعیت این کشور را تشکیل می دهند. اما دولت پاریس به بهانه دفاع از ارزش های سکولار خود، مسلمانان این کشور را از آزادی های فردی و اجتماعی محروم کرده است و با به اجرا گذاشتن قانون منع حجاب از تحصیل دختران محجبه در مدارس و دانشگاه ها ممانعت به عمل آورده است. مسلمانان مقیم فرانسه با جنبش های اسلامی در الجزایر و فلسطین اظهار همبستگی می کنند و دولت فرانسه هر نوع همبستگی مسلمانان با این جنبش ها را با فشار سیاسی و تبلیغاتی و زندانی کردن رهبران آنان سرکوب می کند.9

3-1: اقلیت های دینی، همچون مسلمانان، و اقلیت های قومی و نژادی همچون عرب تبارها و سیاه پوستان به رسمیت شناخته نمی شوند و نه تنها از کرسی پارلمان و دیگر نهادهای تصمیم گیری محروم هستند بلکه هدف خشونت های نژادپرستانه و افراطی قرار می گیرند، و حتی علناً توسط مقامات عالی رتبه دولتی این کشور از طریق رسانه های عمومی تحقیر می شوند. این گروه های بزرگ اجتماعی تا حدی به حاشیه رانده شده اند که هیچ حزب و گروه و جناح سیاسی در فرانسه آن ها را نمایندگی نمی کند و از حمایت هیچ نیروی سیاسی و روشنفکری بزرگی حتی چپگرایان فرانسوی نیز برخوردار نیستند.

2ـ تبعیض نژادی و مذهبی

یکی دیگر از اصول محوری حقوق بشر، مبارزه با هر نوع تبعیض میان انسان هاست؛ بر اساس ماده دو اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هر کس می تواند بی هیچ گونه تمایزی، به ویژه از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و هم چنین منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر وضعیت دیگر؛ از تمام حقوق و همه آزادی های ذکر شده در این اعلامیه بهره مند گردد. به علاوه نباید هیچ تبعیضی به عمل آید که مبتنی بر وضع سیاسی، قضایی یا بین المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد». همچنین در ماده هفت این اعلامیه می خوانیم: «همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بی هیچ تبعیضی از حمایت یکسان قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد، و بر ضد هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید، از حمایت یکسان قانون بهره مند گردند.» به علاوه فرانسه قوانین متعدد و دیرپایی درباره مبارزه با نژادپرستی و تبعیض نژادی و مذهبی دارد. هر چند واقعیت ها و عملکرد مقامات آن خلاف این قوانین را ثابت کرده است:

الف) تبعیض نژادی

1-2: به اعتقاد کارشناسان و تحلیل گران سیاسی، دیدگاه تبعیض آمیز فرانسه به سیاهپوستانِ این کشور سابقه ای طولانی دارد و این رویکرد که در وضعیت تأسفبار اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... این قشر مظلوم از جامعه فرانسه نمایان است ریشه در سیاست استعماری فرانسه در الجزایر، مراکش، تونس، هند و چین و سرزمین های دیگری که پیش تر قلمروی استعمار فرانسوی ها محسوب می شده اند، دارد. از دیدگاه روانشناختی اجتماعی، سلطه استعماری بر ملت های جهان سوم موجب نگرش تحقیرآمیز به ملت های تحت سلطه شده است و پدیده شوم تبعیض نژادی حاصل چنین نگرشی است. بر این اساس علیرغم پایان دوران استعمار کهنه، هنوز غربی ها با دیده متکبرانه به ملت های جهان سوم و در حال توسعه می نگرند و همین امر سبب شده است که مسلمانان، اعراب و مهاجران آفریقایی تبار فرانسه، مورد بدترین نوع تبعیض نژادی واقع شوند و از حقوق فردی و اجتماعی مسلّم خویش محروم باشند.10

2-2: تبعیض نژادی بر علیه «شهروندان فرانسوی آفریقایی تبار» به ویژه در زمینه ارائه خدمات بهداشتی و درمانی و کار و آموزش، کاملاً مشهود است. مقایسه ای سطحی میان وضعیت معیشتی سفیدپوستان و سیاه پوستان نشان می دهد که فرانسویان نژادپرست همچنان هموطنان سیاه پوست خود را به چشم بردگان می نگرند. سیاه پوستان محروم حومه پاریس که ده ها سال است، تلاش می کنند تا وضع معیشتی خود را بهبود بخشند، متأسفانه برای اشتغال و اقامت در پاریس با یک سلسله موانع عدیده روبرو می شوند، زیرا دولت فرانسه آنان را شهروندان درجه دو به شمار می آورد. فرانسه که ادعا می کند مهد دموکراسی در جهان است، اشتغال سیاه پوستان را به جز در حومه پاریس منع می کند و این قشر از جامعه تنها به فعالیت های فرو دستی مشغول هستند.11 سارکوزی ـ وزیر کشور فرانسه ـ معتقد است که اشخاص بی کار و گرفتار بحران اقتصادی نباید اساساً در بازار کار و منابع آموزشی، فرهنگی و اجتماعی فرانسه پذیرفته شوند.12 در این خصوص، یک تحلیلگر مسائل سیاسی در پاریس می گوید: «10 درصد از نیروهای فعال فرانسه بی کاراند و در همین حال در میان آفریقایی تبارها و عرب تبارها که اغلب حاشیه نشین شهرهای بزرگ هستند بی کاری به بیش از 50 درصد می رسد». یک مطالعه موردی نشان می دهد که از یکصد درخواست شغلی که یک فرانسوی سفیدپوست ارسال می کند به طور متوسط 75 دعوت نامه مصاحبه دریافت می کند، در حالی که فردی با نام های اسلامی و عربی تنها 14 دعوت نامه دریافت خواهد کرد. در فرانسه، روزبه روز، جوانان حاشیه شهرهای بزرگ ناامیدتر می شوند، بیکاری و فقر رو به افزایش است و فشار سیاست های دولت راستگرای فرانسه در جهت کاهش مالیات از ثروت ها و سرمایه های بزرگ عملاً بر لایه های کم درآمد وارد می شود.13

3-2: بدرفتاری پلیسِ فرانسه با شهروندان فرانسوی آفریقایی تبار یا خاورمیانه ای، یکی از بزرگ ترین معضلات جامعه این کشور است. در گزارش سازمان عفو بین الملل مربوط به سال 2004 آمده است که بدرفتاری پلیس فرانسه با اقلیت های قومی مذهبی این کشور نسبت به سال قبل، بیست برابر افزایش داشته است. علاوه بر این باید توجه داشت که اقدامات تبعیض آمیزی علیه اقشار پایین جامعه فرانسه اعمال می شود، مثلاً حتی افراد تحصیل کرده و دارای مدرک دانشگاهی نیز به خاطر نام و یا مذهبشان موفق به یافتن کار نمی شوند و یا این که پلیس، افراد عرب تبار و یا سیاه پوست را مرتب در مترو بازرسی و کنترل می کند ولی به دیگران کاری ندارد. قیام سیاهان در اوایل هزاره جدید در شهر سینسیناتی، نشأت گرفته از ضرب و شتم فردی بنام رادنی کینگ نبود بلکه این مسئله، ریشه ای عمیق در تبعیض هایی سابقه دار داشته است و ضرب و شتم یک رنگین پوست در خیابان در مقابل دوربین های رسانه ها، فقط محرّکی برای این قیام، بوده است.

4-2: در چند سال اخیر در گزارش های سازمان های حقوق بشری از جمله عفو بین الملل، نام فرانسه در لیست کشورهایی قرار دارد که قتل های غیرقانونی در آن جا به وقوع پیوسته است و بازداشت شدگان مورد شکنجه و سوء رفتار واقع شده اند. کمیسر حقوق بشر شورای اروپا، پس از یک بازدید شانزده روزه از زندان ها، بیمارستان های روانی، بازداشتگاه ها و... در فرانسه، از اوضاع اماکن نام برده ابراز نارضایتی کرد. تعداد زیاد زندانیان و کمبود امکانات، از جمله موارد نارضایتی او بودند. او از وضع بد زندان بومت یاد کرد و بازداشتگاه کاخ دادگستری پاریس را وحشتناک خواند.14

ب) تبعیض مذهبی

5-2: کشور فرانسه دارای جمعیتی بیش از 60 میلیون نفر است که از نظر مذهبی 83 تا 88 درصد از آن ها کاتولیک، 8 تا 10 درصد مسلمان، 2 درصد پروتستان، 1 درصد یهودی، و 4 درصد هم متفرقه اند. مسلمانان با جمعیتی قریب ده درصد، از نظر مذهبی بعد از کاتولیک ها، دومین مذهب فرانسه به شمار می آیند؛ اما با این حال هیچ نماینده ای در ارکان اصلی قدرت، حتی در پارلمان این کشور ندارند. در حالی که یهودیان، که تنها یک درصد جامعه را تشکیل می دهند، دارای نفوذ و قدرتی فراگیر در تصمیمات کلان سیاسی در فرانسه هستند.

6-2: دولتمردان فرانسوی، با تبلیغات گسترده، مسلمانان این کشور را مورد تحقیر و توهین قرار داده و شدیدترین محدودیت ها را برای آنان اعمال نموده اند. و با تبلیغ خطر اسلام گرایی توسط رسانه های فرانسوی، ممنوع کردن نشریات اسلامی، ممنوعیت احکام اسلامی خصوصاً حجاب، معادل قرار دادن اسلام با افراطی گری، گسترش حملات نژادپرستانه علیه مسلمانان و... دست به یک تبعیض مذهبی وسیع علیه مسلمانان زده اند. در این کشور، دانش آموزان یهودی با عرق چین و دانش آموزان مسیحی با صلیب به مدرسه می روند؛ اما دختران مسلمانِ باحجاب را از مدرسه اخراج می نمایند. تنها استدلال وزیر فرهنگ آلمان در رد درخواست «لادن» ـ معلم محجبه مسلمان ـ این بود که: «مدارس ما به موازات آموزش دانش آموزان، پرورش هم می بینند، از آن جا که وجود یک معلمِ زنِ مسلمانِ باحجاب، با تعالیم اساسی مسیحیت در تضاد است، نمی توانیم در مدارسمان پذیرای مسلمانان باحجاب باشیم. ما می خواهیم فرزندانمان را بر اساس فرهنگ مسیحیت تربیت کنیم».15

7-2: پلیس نژادپرست فرانسه، مساجد مسلمانان را مورد هتک قرار می دهد و گاز اشک آور به درون آن پرتاب می کند، در حالی که اگر چنین اقدامی در مورد کلیسا یا کنیسه ای انجام شود بلافاصله وزیر کشور، خود را به محل می رساند و مستقیماً از پیروان این ادیان عذرخواهی می کند؛ اما نسبت به هتک حرمت اماکن مذهبی مسلمانان، تبیعض آمیز برخورد می شود. این در حالی است که مسلمانان فرانسه هرگز با سکولاریسم مخالفت نکرده اند. و حتی وقتی هزاران دختر و زن مسلمان، علیه ممنوعیت حجاب به تظاهرات پرداختند با سر کردن روسری هایی که پرچم فرانسه بود عملاً نشان دادند که به عنوان یک فرانسوی می خواهند در رفتار و اعمال دینی آزاد باشند.

در شماره آینده مجله به «حوادث اخیر فرانسه» پرداخته خواهد شد.

ادامه دارد...

پی نوشت ها:

1ـ جهت آشنایی ر.ک: فلسفه حقوق، قدرت الله خسرو شاهی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ سوم 1378، ص 180؛ و ر. ک: مبانی حقوق بشر، سید صادق حقیقت و سید علی میر موسوی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ص 227؛ و ر.ک: حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب، سید مهدی سیدیان، مجله معرفت.

2ـ جهت آشنایی با این بحران ها ر.ک: لوسین پای، بحران ها و توالی ها در توسعه سیاسی، ترجمه غلامرضا خواجه سروی، تهران پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1380.

3ـ ر.ک: چالش های ایران و آمریکا، حمید معبادی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص 188.

4ـ ر.ک: حسین بشیریه، آموزش دانش سیاسی، تهران، نشر نگاه معاصر، 1382، ص 271-274.

5 ـ دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی، حقوق بین الملل عمومی، انتشارات کتابخانه گنج دانش، ص 283، چ 76.

6 ـ نگاهی به بیانیه اتحادیه اروپا درباره وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، محمود رضا گلشن پژوه، کتابخانه دیجیتالی دید.

7ـ ر.ک: فلسفه حقوق، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1378، ص 290.

8 ـ حقوق اساسی جمهوری ایران، دکتر سید محمد هاشمی، نشر دادگستر 1378، ص 163.

9ـ ریشه های ناآرامی در فرانسه، روزنامه کیهان، دوشنبه 23 آبان 1384.

10ـ فرانسه در آتش تبعیض و بی عدالتی، روزنامه جمهوری اسلامی 21/8/1384، صفحه سیاسی.

11ـ خبرگزاری مهر، 14/8/1384.

12ـ همان، 12/8/1384.

13ـ نگاهی به ناآرامی های فرانسه و ریشه های آن، خبر گزاری جمهوری اسلامی 29/8/1384.

14ـ ریشه های ناآرامی در فرانسه، کیهان، دوشنبه 23 آبان 1384.

15ـ مسئله حجاب در اروپای غربی، رجب کارگز، ترجمه داوود وفایی، منصوره حسینی، نشریه غرب در آیینه فرهنگ، فروردین و اردیبهشت 1381، ص 18.

16ـ جهت اطلاع بیشتر پیرامون جغرافیای فرانسه، تاریخچه ورود مسلمانان به فرانسه، سازمان ها و تشکل های اسلامی در فرانسه، بررسی نقش مسلمانان مهاجر در فرانسه، شیعیان در فرانسه، وضعیت زنان مسلمان در فرانسه، تأثیر انقلاب اسلامی بر مسلمانان، مشکلات فرهنگی مسلمانان در فرانسه، بررسی مشارکت سیاسی مسلمانان، برخورد دولت فرانسه با مسلمانان، گذری بر شخصیت های مسلمان شده فرانسه ر.ک: اسلام و مسلمانان، در فرانسه، محمود خدا قلی پور، قم، بوستان کتاب 1380.

سوتیترها

مسئله «حقوق بشر» قبل از این که برای دفاع از حقوق اساسی انسان ها باشد، دستاویزی برای بسط و گسترش منافع نامشروع قدرت های سلطه طلب جهان، و ابزاری است که کشورهای غربی به خصوص آمریکا و اتحادیه اروپا بر علیه کشورهای مخالف خود، به کار می برند

در جامعه فرانسه، افرادی، نظیر روژه گارودی، نویسنده و محقق فرانسوی، تنها به دلیل ترویج اندیشه و نوشتن کتابی تاریخی و طرح واقعیاتی مستند درباره صهیونیسم بین الملل و انکار هولوکاست مورد محاکمه قرار می گیرند. هنوز هم در برخی کشورها مانند فرانسه، انکار کشتار یهودیان جرم تلقی می شود

10 درصد از نیروهای فعال فرانسه بی کاراند و در همین حال در میان آفریقایی تبارها و عرب تبارها که اغلب حاشیه نشین شهرهای بزرگ هستند بی کاری به بیش از 50 درصد می رسد

اقدامات تبعیض آمیزی علیه اقشار پایین جامعه فرانسه اعمال می شود، مثلاً حتی افراد تحصیل کرده و دارای مدرک دانشگاهی نیز به خاطر نام و یا مذهبشان موفق به یافتن کار نمی شوند و یا این که پلیس، افراد عرب تبار و یا سیاه پوست را مرتب در مترو بازرسی و کنترل می کند ولی به دیگران کاری ندارد

پلیس نژادپرست فرانسه، مساجد مسلمانان را مورد هتک قرار می دهد و گاز اشک آور به درون آن پرتاب می کند، در حالی که اگر چنین اقدامی در مورد کلیسا یا کنیسه ای انجام شود بلافاصله وزیر کشور، خود را به محل می رساند و مستقیماً از پیروان این ادیان عذرخواهی می کند؛ اما نسبت به هتک حرمت اماکن مذهبی مسلمانان، تبیعض آمیز برخورد می شود